



## فلسطین در نگاه قرآن کریم

جمعیت دفاع از ملت فلسطین

ابوالفضل رافعی

### پیش درآمد :

«اذ التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن» «هرگاه فتنه ها همچون ابرهای سیاه در شب تاریک به سوی شما حمله ور شوند بر شما باد تمسک به قرآن» بدون تردید قرآن به عنوان تنها کتاب آسمانی که از دست تحریف در امان مانده، ملجاء و پناهگاهی است که هر مسلمان در گردبادهای حوادث می تواند با توسل به آن، راه هدایت و نجات و فلاح و رستگاری را بیابد و بر اساس آن، آموزه های حیات خویش را سامان و سیر زندگی اش را مدیریت کند.

از این رو در عصری که انسان ها در معرض امواج انواع رسانه ها و فریاد انالالحق ها از هر سو قرار دارند، تمسک به جبل الله و فراگیری از محضر روشنگر و روشنی بخش آن بهترین راه نجات بشمار می آید.

در حالی که جریان صهیونیسم و رژیم اسرائیل به عنوان پدیده ای شوم همچون غده سرطانی در حال نابودی جامعه بشری و تمدن انسانی و اساس دینداری است، برای شناختن این پدیده شوم و چگونگی موضعگیری در مقابل آن ، بهترین مرجع و منبع را قرآن کریم یافتیم و بر همین اساس نیز مسلمانان و جامعه بشری را به الهام گرفتن از کتاب الهی فرا می خوانیم تا راهی باشد به سوی نور و امید و بازگشت به حق.

### جمعیت دفاع از ملت فلسطین

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	پیش درآمد
	<b>فلسطین در نگاه قرآن</b>
۷	فلسطین، سرزمین مبارک
۹	فلسطین و قدس، سرزمین اسرا و معراج
۱۱	بیت المقدس و فلسطین، سرزمین مقدس
۱۲	فلسطین، هارتلند عالم، سرزمین مشرق ها و مغرب ها
۱۴	فلسطین، سرزمین پیامبران
۱۶	فلسطین، سرزمین زیتون
۱۷	بیت المقدس، قبله نخست
	<b>اسرائیل و بنی اسرائیل از دیدگاه قرآن</b>
۲۰	کافران پیامبرکش

- ۲۱ عصیانگران متجاوز
- ۲۲ سنگدلان بی رحم
- ۲۴ پیشگامان تحریف
- ۲۵ پیمان شکنان تاریخ
- ۲۶ پویندگان راه شیطان
- ۲۸ انحصارگرایان خودمحور
- ۲۹ ناراضیان ابدی
- ۳۰ مروجان فرهنگ انحطاط و تجاوز و بهره کشی
- ۳۱ قوم نفرین شده
- ۳۲ سرسخت ترین دشمنان
- مقاومت، تنها انتخاب الهی برای ملت های مظلوم**
- ۳۴ محکومیت سازش و سکوت در مقابل اشغالگران
- ۳۵ ندامت از دوستی و همکاری با اشغالگران
- ۳۶ قتال با اشغالگران
- ۳۷ انتخاب جبهه ایمان
- ۳۸ نپذیرفتن سلطه کافران اشغالگر
- ۳۹ دشمنی با دشمنان خدا و رسولش

## وعدہ قرآنی زوال اسرائیل

- ۴۲ اسرائیل ، غده سرطانی فساد در جهان
- ۴۳ وعدہ الہی آزادی سرزمین انبیاء بہ دست مومنان پیکارجو
- ۴۴ نابودی پایگاہہای صہیونیسم بہ دست خودشان و مومنان
- ۴۶ پراکندگی یہودیان ، تقدیر محتوم آنها
- ۴۷ دشمنی یہودیان با یکدیگر تا روز قیامت
- ۴۸ سرنوشت ذلت بار اسرائیل و بنی اسرائیل

## فلسطین در نگاه قرآن کریم

## فلسطین ، سرزمین مبارک

سوره الاسراء ، آیه ۱:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي  
بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

«پاک و منزه است خدائی که بنده اش را در شبانگاهی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پر برکت ساختیم برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم چرا که او شنوا و بیناست.»

**ترجمة الميزان ج : ۱۲ ص : ۶:**

جمله بارکنا حوله بیانگر این مطلب است که مسجد الاقصی علاوه بر اینکه خود سرزمین مقدسی است اطراف آن نیز سرزمین مبارک و پر برکتی است و این ممکن است اشاره به برکات ظاهری آن بوده باشد ، چرا که می دانیم در منطقه ای سرسبز و خرم و مملو از درختان و آبهای جاری و آبادیها واقع شده است.

تفسیر نمونه ج : ۱۲ ص : ۱۰ و نیز ممکن است اشاره به برکات معنوی آن بوده باشد ، زیرا این سرزمین مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ خدا ، و خاستگاه نور توحید و خدا پرستی بوده است .

### توضیح :

جمله «بارکنا حوله» اشاره به سرزمین پیرامون مسجدالاقصی دارد که دربرگیرنده شهر بیت المقدس و سرزمین فلسطین است. تعبیر «بارکنا» حکایت از عنایت ویژه خداوند به این سرزمین دارد که منشاء خیر و برکت مادی و معنوی برای بشریت است و سرزمینی است که انبیای بسیاری در آن ظهور کرده یا زیسته اند و از این رو این سرزمین ، جایگاه مقدس و از حریم های الهی اسلام و مسلمانان به شمار می آید و البته شایسته نیست که

این حریم الهی و اسلامی در چنگال و اشغال غاصبان صهیونیست و صلیبیان کینه توز قرار بگیرد.

این سرزمین به علت تقدس آن از دیدگاه قرآن، در سال ۱۵ هجری توسط سپاه اسلام ، فتح و به عنوان سرزمین وقف اعلام شد و نام آن که «ایلیا» بود به بیت المقدس (سرزمین مقدس) تغییر یافت و تا زمان اشغال آن از سوی صلیبیون در قرن ۱۱ میلادی در قلمرو خلافت اسلامی قرار داشت که پس از اشغال ، مسلمانان با اعتقاد به تعلق آن به



جهان اسلام ، مدت ۲۰۰ سال برای آزادی آن جنگیدند و سرانجام آن را از چنگ صلیبیان خارج و به آغوش اسلام بازگرداندند.  
به امید آزادسازی فلسطین از چنگال صهیونیزم.

## فلسطین و قدس ، سرزمین

### اسرا و معراج

سوره الاسراء ، آیه ۱:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي  
بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

«پاک و منزه است خدائی که بنده اش را در شبانگاه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پر برکت ساختیم برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم چرا که او شنوا و بیناست.»

#### ترجمة الميزان ج : ۱۲ ص : ۶

مراد از مسجد اقصی به قرینه جمله الذي بارکنا حوله بیت المقدس است و کلمه اقصی از ماده قسو و این ماده به معنای دوری است ، و اگر مسجد بیت المقدس را مسجد الاقصی نامیده بدین جهت است که این مسجد نسبت به محل زندگی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و مخاطبینی که با اویند از مسجد الحرام خیلی دور است ، زیرا محل زندگی ایشان شهر مکه است که مسجد الحرام در همانجا است .

#### توضیح :

بحث مربوط به فلسطین ، سرزمین اسرا و معراج است که خداوند پیامبر اکرم (ص) را در سال دهم بعثت در شب خاصی با قدرت الهی، از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و از آنجا به معراج برد.

نکات قابل توجه در این آیه عبارتند از :

۱- در واقع با وجود اینکه خداوند می توانست پیامبرش را مستقیماً از مسجدالحرام به معراج برد ، ولی این سیر را به نحوی تنظیم کرد که پیامبر ابتدا از مسجدالحرام به مسجدالاقصی انتقال داده شود و آنگاه بخش دوم سفر آسمانی خود را به سوی معراج سرگیرد و این نشان می دهد که از همان آغاز اسلام و در حالی که اسلام هنوز در محدوده مکه باقی مانده و حتی مردم مدینه به اسلام ایمان نیاورده بودند ، خداوند به این طریق ، قدس را جزء کیان اسلام قرار می دهد و مسئولیت آزادسازی و حراست آن را بر عهده مسلمانان می گذارد.

۲- در آن روزگار بیت المقدس در قلمرو امپراطوری روم قرار داشت و حتی جزء سرزمین های عربی هم به شمار نمی آمد ، با این همه خداوند آن را جزء کیان اسلام قرار می دهد. مسجدالاقصی را مسلمانان بعدها ساختند و پیش از ساخت آن خداوند نام و جایگاه آن را مشخص کرده و این نشان دهنده این است که این مسجد از تقدس الهی برخوردار است و پیش بینی فتح فلسطین توسط خداوند در آن زمان و اینکه آن بخشی از جهان اسلام خواهد شد ، یک اعجاز الهی است.

۳- با اینکه آیه صراحتاً اشاره به بحث معراج پیامبر نکرده و تنها اشاره به اسرا و سیر پیامبر دارد ولی با تعبیر «لنریه من آیاتنا» نشان می دهد سیر پیامبر از مکه به بیت المقدس مقدمه سفر دیگری بود که در آن سفر بسیاری از آیات خداوند که خارج از آیات فراروی انسان های عادی است به پیامبر نشان بدهد.

## بیت المقدس و فلسطین ،

### سرزمین مقدس

سوره المائده ، آیه ۲۱ :

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ

«ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته وارد شوید.»

ترجمة الميزان ج : ۵ ص : ۶۸

یا قوم ادخلوا الارض المقدسة التي كتب الله لكم و لا تردوا علي ادباركم فتنقلبوا خاسرين در این آیه موسی به بنی اسرائیل دستور داده که داخل در سرزمین مقدس شوند و خود آن جناب از وضع آنان پیش بینی کرده بود که از این دستور تمرد خواهند کرد و رفتن به آن سرزمین را نخواهند پذیرفت ، به همین جهت امر خود را تاکید کرد به اینکه مبادا سربیچی کنید ، و دوباره به دوران سابق خود برگردید که اگر چنین کنید زیانکار خواهید شد ، دلیل بر اینکه آن جناب چنین استنباطی داشته این است که وقتی بنی اسرائیل دستور آن جناب را رد کردند ، موسی (علیه السلام) آنان را به وصف فاسقین توصیف کرد ، و اگر بنی اسرائیل مردم درستی بودند و سابقه نافرمانی و تمردداشتند و تنها این يك دستور موسی را تمرد کرده بودند ، اطلاق

فاسق که اسم فاعل است و ثبات و دوام را می‌رساند بر آنان درست نبود ، و می‌بایست فرموده

ترجمة المیزان ج : ۵ ص : ۴۶۹

باشد : فافرق بيني و بين الذين فسقوا خدایا بين من و مردمي که مرتکب فسق شدند خدایي بیندار .

خدای سبحان در این آیه سرزمین مورد نظر خود را به قداست توصیف کرده و مفسرین مقدس بودن آن سرزمین را تفسیر کرده‌اند به سرزمینی که به خاطر سکونت انبیاء و مؤمنین در آن مطهر از شرک است ، و در قرآن کریم چیزی که این کلمه را تفسیر کند و به ما بفهماند چرا آن سرزمین مقدس است وجود ندارد ، و آنچه که ممکن است در این باب مورد استفاده قرار گیرد آیه شریفه : الي المسجد الاقصي الذي بارکنا حوله ، و آیه شریفه : و اورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض و مغاربها التي بارکنا فيها است ، که در هر دو آیه پیرامون مسجد اقصی سرزمین مبارک معرفی شده ، و معلوم است که مبارک بودن آن جز برای این نبوده که خدای عز و جل خیر کثیر در آن سرزمین قرار داده بود ، و منظور از خیر کثیر جز اقامه دین و از بین بردن قذارت شرک نمی‌تواند باشد .

کتب الله لکم از ظاهر آیات بر می‌آید که مراد از این جمله این است که خدای تعالی سکنی گزیدن شما بنی اسرائیل در سرزمین مقدس را مقدر فرموده ، و این با جمله آخر آیه که می‌فرماید : فانها محرمة

علیهم اربعین سنه ، منافات ندارد ، برای اینکه جمله مورد بحث کلامی است مجمل ، و در آن وقت و اشخاص معین نشده ، آنهایی که بطور یقین مشمول این قضای الهی بوده‌اند همان یهودیان عصر موسی (علیه‌السلام) هستند که همه آنان ( بطوری که گفته شده ) تا آخرین نفرشان در همان مدت چهل سال از دنیا رفتند ، و داخل در سرزمین مقدس نشدند ، تنها فرزندان و نوه‌هایشان بودند که همراه با وصی موسی یوشع بن نون (علیهما‌السلام) داخل در سرزمین فلسطین شدند ، و سخن کوتاه اینکه جمله : فانها محرمة علیهم اربعین سنه ، خالی از اشعار به این معنا نیست که قضای مذکور برای بعد از چهل سال بوده ، و این قضاء همان قضای است که آیه شریفه زیر متعرض آن است : و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض ، و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین ، و نمکن لهم فی الارض ، موسی (علیه‌السلام) هم امید چنین روزی را برای امت خود داشت ، البته به شرط

ترجمة المیزان ج : ۵ ص : ۷۰

اینکه امتش به خدا استعانت جویند ، و صبر پیشه سازند ، و در این باب قرآن کریم از آن جناب حکایت کرده که به قوم خود فرمود : استعینوا بالله ، و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده ، و العاقبة للمتقین ، قالوا اودینا من قبل ان تاتینا و من بعد ما جئتنا ، قال عسی ربکم ان یهلك عدوکم ، و یتخلفکم فی الارض فینظر کیف تعملون .

و این همان معنایی است که آیه دیگری آنرا خاطرنشان ساخته و می‌فرماید : و اورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض و مغاربها التي بارکنا فیها و تمت کلمة ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا چون این آیه نیز دلالت دارد بر اینکه استیلای بنی اسرائیل بر سرزمین مقدس و توطنشان در آن کلمه‌ای الهی و یا قضائی بدون هیچ قید و شرط نبوده ، بلکه قضائی بوده مشروط به اینکه بنی اسرائیل در برابر طاعت و ترک معصیت ، و ناگواریهای حوادث صبر کنند

.

و اگر ما صبر در آیه شریفه را عمومیت دادیم و شامل هر سه قسم صبر نمودیم بخاطر این بود که صبر در این آیات مطلق آمده ، و نیز به این دلیل بوده که عزت در دوران موسایشان اثر هر سه قسم صبرشان بود ، صبر در برابر حوادث متراکم و ناگوار زمان موسی و صبر در برابر اوامر و نواهی آن جناب و صبر در برابر معصیت که هر وقت بر گناهی اصرار می‌ورزیدند بلافاصله مبتلا به تکالیفی طاقت‌فرسا می‌گشتند که آیات قرآنی راجع به اخبار و قصص بنی اسرائیل بر این معنا دلالت دارد

.

این معنایی که تاکنون برای جمله کتب الله لکم کردیم معنایی بود که از ظاهر آیات قرآنی استفاده نمودیم ، ولی در عین حال آیات در اینکه این کتاب و قضای الهی در چه زمانی و به چه مقداری بوده مبهم است

در اینکه ارض مقدسه که در آیه فوق به آن اشاره شده چه نقطه‌ای است ، مفسران گفتگو بسیار کرده‌اند بعضی آن را سرزمین بیت المقدس و بعضی شام و بعضی دیگر اردن یا فلسطین یا سرزمین طور ، می‌دانند ، اما بعید نیست که منظور از سرزمین مقدس تمام منطقه شامات باشد که با همه این احتمالات سازگار است ، زیرا این منطقه به گواهی تاریخ مهد پیامبران الهی

تفسیر نمونه ج : ۴ ص : ۲۳۸

و سرزمین ظهور ادیان بزرگ ، و در طول تاریخ مدتها مرکز توحید و خداپرستی و نشر تعلیمات انبیاء بوده و بهمین جهت نام سرزمین مقدس برای آن انتخاب شده است اگر چه گاهی به خصوص منطقه بیت المقدس نیز این نام اطلاق میشود ( همانطور که در جلد اول صفحه ۱۸۳ توضیح داده شد) .

و از جمله کتب الله علیکم استفاده میشود که خداوند چنین مقرر داشته بود که بنی اسرائیل در این سرزمین مقدس به آرامش و رفاه زندگی کنند ( مشروط به اینکه آن را از لوث شرك و بت پرستی پاک سازند و خودشان نیز از تعلیمات انبیا منحرف نشوند ) اما اگر این دستور را بکار نیندند زبانهای سنگینی دامان آنها را خواهد گرفت .

بنابراین اگر ملاحظه میکنیم که نسلی از بنی اسرائیل که این آیه خطاب به آنها بود بالاخره موفق به ورود در این سرزمین مقدس نشدند



بلکه چهل سال در بیابان سرگردان ماندند و نسل آینده آنها این توفیق را یافت منافاتی با جمله کتب الله لکم ( خداوند برای شما مقرر داشته ) ندارد ، زیرا این تقدیر مشروط بشرائطی بود که آنها انجام ندادند همانطور که در آیات بعد استفاده میشود .

اما بنی اسرائیل در برابر این پیشنهاد موسی - همانطور که روش افراد ضعیف و ترسو و بی اطلاع است که مایلند همه پیروزیها در سایه تصادفها و با معجزات برای آنها فراهم شود و به اصطلاح لقمه را بگیرند و در دهانشان بگذارند به او گفتند : ای موسی ! تو که میدانی در این سرزمین جمعیتی حیار و زورمند زندگی می‌کنند و ما هرگز در آن گام نخواهیم گذاشت تا آنها این سرزمین را تخلیه کرده و بیرون روند ، هنگامی که آنها خارج شوند ما فرمان تو را اطاعت خواهیم کرد و گام در این سرزمین مقدس خواهیم گذاشت .

**تفسیر نمونه ج : ۴ ص : ۲۳۷**

**توضیح :**

در این آیه خداوند قلمروی را به عنوان سرزمین مقدس می نامد و به همین اعتبار ، مسلمانان هنگامی که فلسطین و بیت المقدس را در ربیع الثانی سال ۱۵ هجری (برابر با سال ۶۳۶ میلادی) فتح می کنند نام آن را بیت المقدس می گذارند در حالی که در آن زمان نام این شهر «ایلیا» بوده است.

این آیه تاکید دیگری است بر تقدس این سرزمین از سوی خداوند و از دیدگاه قرآن کریم و قطعا مسلمانان نیز از همین دیدگاه به این شهر به عنوان سرزمین مقدس می نگرند که باید از لوث اشغالگران و کافران آزاد گردد.

فلسطین ، هارتلند عالم (قلب جهان) ،

سرزمین مشرق ها و مغرب ها

سوره الاعراف ، آیه ۱۳۷ :

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا

«و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می شدند [بخشهای] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را که در آن برکت قرار داده بودیم به میراث عطا کردیم.»

ترجمة المیزان ج : ۸ ص : ۲۹۲

اورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الأرض و مغاربها ... ظاهرا مراد از ارض سرزمین شام و فلسطین است ، مؤید و یا دلیل بر این معنا جمله بعدی است که می‌فرماید : التي بارکنا فیها برای اینکه خداوند در قرآن کریمش غیر از سرزمین مقدس که همان نواحی فلسطین است و غیر از کعبه هیچ سرزمینی را به برکت یاد نکرده .

معنای آیه این است که : ما بنی اسرائیل را که مردمی ضعیف به شمار می‌رفتند قدرت داده و مشارق و مغارب سرزمین مقدس را به ایشان واگذار نمودیم .

و اگر در اینجا بنی اسرائیل را به مردمی مستضعف وصف کرده برای این است که کارهای عجیب خارق العاده خدا را برساند ، و بفهماند چگونه خداوند افتادگان را بلند می‌نماید و کسانی را که در نظرها خوار

ترجمة المیزان ج : ۸ ص : ۲۹۲

می‌آیند تقویت نموده و زمین را در تیول آنان قرار می‌دهد ، چه قدرتی بالاتر از این ؟ اینهم که فرمود : و تمت کلمة ربک الحسنی برای این است که برساند به ملک و سلطنت رسانیدن بنی اسرائیل و هلاک کردن دشمنان ایشان بر وفق قضای حتمیش بوده ، موسی (علیه‌السلام) هم گویا از این قضا خبری داشته که در وعده به بنی اسرائیل گفته است : عسی ربکم ان یهک عدوکم و یتخلفکم فی الارض .

تفسیر نمونه ج : ۶ ص : ۲۲۸

پس از نابودی قوم فرعون و درهم شکستن قدرت آنها ، بنی اسرائیل که سالیان دراز در زنجیر اسارت و بردگی به سر می بردند ، وارث سرزمینهای پهناور آنها شدند ، آیه فوق به همین معنی اشاره کرده ، می گوید : مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را در اختیار جمعیت مستضعف و استعمار شده قرار دادیم ( و اورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون مشارق الارض و مغاربها التی

تفسیر نمونه ج : ۶ ص : ۲۲۹

بارکنا فیها ) همانطور که سابقا هم اشاره کرده ایم ارث در لغت به معنی مالی است که بدون تجارت و معامله از کسی به کسی می رسد ، اعم از اینکه از مردگان باشد یا از زندگان .

یستضعفون که از ماده استضعاف گرفته شده معادل کلمه استعمار است که در عصر و زمان ما به کار می رود و مفهوم آن این است که قومی ستم پیشه جمعیتی را تضعیف کنند تا بتوانند از آنها در مسیر مقاصدشان بهره کشی نمایند ، منتها این تفاوت را با کلمه استعمار دارد ، که استعمار ظاهرش به معنی آباد ساختن است و باطنش به معنی ویرانگری ، ولی استضعاف ظاهر و باطنش هر دو یکی است ! .

و تعبیر به کانوا یستضعفون اشاره به این است که فرعونیان به طور مداوم آنها را در ضعف و ناتوانی نگه می‌داشتند ، ضعف و ناتوانی فکری ، و اخلاقی و اقتصادی از هر نظر و در تمام جهات .

و تعبیر به مشارق الارض و مغاربها ( مشرقها و مغربهای زمین ) اشاره به سرزمینهای وسیع و پهناوری است که در اختیار فرعونیان بود ، زیرا سرزمینهای کوچک ، مشرقها و مغربهای مختلف و به تعبیر دیگر افقهای متعدد ندارد ، اما يك سرزمین پهناور ، حتما اختلاف افق و مشرقها و مغربها ، به خاطر خاصیت کروییت زمین ، خواهد داشت ، به همین دلیل است که ما این تعبیر را کنایه از وسعت سرزمین فراعنه گرفتیم .

و جمله بارکنا فیها اشاره به آبادی فوق العاده این منطقه ، یعنی مصر و شام است ، که هم در آن زمان و هم در این زمان از مناطق پر برکت دنیا محسوب می‌شود ، و بطوری که بعضی از مفسران نوشته‌اند در آن روز کشور فراعنه بقدری وسعت داشت که سرزمین شامات را هم در بر می‌گرفت .

بنابراین منظور حکومت بر تمام کره زمین نبوده است ، زیرا این موضوع

مسلمها بر خلاف تاریخ است ، بلکه منظور حکومت بنی اسرائیل بر سراسر سرزمین فراعنه می باشد .

سپس می گوید : وعده نیک پروردگار تو در زمینه پیروزی بنی اسرائیل - به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند - تحقق یافت ( و تمت کلمة ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا) .

و این همان وعده‌ای است که در آیات قبل ( آیه ۱۲۸ و ۱۲۹ همین سوره ) به آن اشاره شده است

### توضیح :

قرآن کریم ویژگی هایی را در این آیه درباره فلسطین بر می شمرد که عبارتند از :

۱- سرزمینی است که بر مشرق ها و مغرب های زمین اشراف دارد و این همان موقعیت هارتلند یا قلب جهان است که هر کسی بر آن تسلط یابد می تواند بر تمام جهان تسلط یابد و البته موقعیت ژئوپولتیک (جغرافیای سیاسی) فلسطین نیز حکایت از این امر دارد چرا که نقطه اتصال سه قاره ثروتمند آسیا ، اروپا و آفریقا است.

۲- خداوند در این آیه از تعبیر «بارکنا» استفاده کرده که نشان دهنده خیر و برکت فراوان در این سرزمین است که هم بعد مادی و هم بعد معنوی دارد. در بعد معنوی ، این

سرزمین ، مرکز ظهور ادیان توحیدی و تمدن های بشری است و همه تمدنها ریشه در این سرزمین و منطقه خاورمیانه دارند. وجود منابع و ثروتهای زیرزمینی و آبی و از جمله منابع انرژی منطقه نیز حاکی از برکت های مادی این سرزمین است.

۳- خداوند این سرزمین را برای مستضعفانی تقدیر کرده است که در جهت اهداف الهی و اجرای قوانین آسمانی صبوری و مقاومت پیشه کنند. در تفسیر المیزان هم از «ارض موعود» به عنوان شام و فلسطین یاد شده و در قرآن کریم هم غیر از این سرزمین ، از هیچ سرزمین دیگری به عنوان سرزمین پربرکت یاد نشده است.

**فلسطین ، سرزمین پیامبران**

سوره الانبیاء ، آیه ۷۱ :

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

«و او (ابراهیم) و لوط را به سرزمینی که آن را برای همه جهانیان پر برکت ساختیم نجات دادیم.»

**ترجمة الميزان ج : ۱۴ ص : ۴۲۸**

منظور از این سرزمین ، سرزمین شام است ، که ابراهیم (علیه السلام) بدان مهاجرت کرد ، و لوط اولین کسی است که به وی ایمان آورده و با وی مهاجرت نمود ، همچنان که قرآن کریم فرموده :  
فامن له لوط و قال اني مهاجر الي ربي .

**تفسیر نمونه ج : ۱۲ ص : ۴۵۱**

**تفسیر : هجرت ابراهیم از سرزمین بت پرستان**

داستان آتش‌سوزی ابراهیم و نجات اعجازآمیزش از این مرحله  
خطرناک ،

**تفسیر نمونه ج : ۱۲ ص : ۴۵۲**



لرزه بر ارکان حکومت نمرود افکند ، به گونه‌ای که نمرود روحیه خود را به کلی باخت ، چرا که دیگر نمی‌توانست ابراهیم را يك جوان ماجراجو و نفاق‌افکن معرفی کند ، او دیگر به عنوان پکرهبر الهی و قهرمان شجاع که يك تنه می‌تواند به جنگ جبار ستمگری با تمام قدرت و امکاناتش برود ، شناخته می‌شد ، او اگر با این حال در آن شهر و کشور باقی می‌ماند ، با آن زبان گویا و منطق نیرومند و شهامت بی‌نظیرش مسلماً کانون خطری برای آن حکومت جبار و خودکامه بود ، او به هر حال باید از آن سرزمین بیرون رود.

از سوی دیگر ابراهیم در واقع رسالت خود را در آن سرزمین انجام داده بود ، ضربه‌های خردکننده یکی پس از دیگری بر بنیان حکومت زد و بذر ایمان و آگاهی در آن سرزمین پاشیده ، تنها نیاز به عامل زمانی بود که تدریجاً این بذرها بارور گردد و بساط بت و بت‌پرستی برچیده شود .

او باید از اینجا به سرزمین دیگری برود و رسالت خود را در آنجا نیز پیاده کند ، لذا تصمیم گرفت تا به اتفاق لوط ( لوط برادرزاده ابراهیم بود ) و همسرش ساره و احتمالاً گروه اندکی از مؤمنان از آن سرزمین به سوی شام هجرت کند.

آنچنانکه قرآن در آیات مورد بحث می‌گوید : ما ابراهیم و لوط را به سرزمینی که برای جهانیان پر برکتش ساخته بودیم نجات و رهایی بخشیدیم ( و نجیناه و لوطا الی الارض الی الی بارکنا فیها للعالمین).

گرچه نام این سرزمین صریحا در قرآن نیامده ولی با توجه به آیه اول  
سوره اسراء ( سبحان الذی اسرى بعیده لیلا من المسجد الحرام الی  
المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله ) .

معلوم می‌شود همان سرزمین شام است که سرزمینی است هم از  
نظر ظاهری پربرکت و حاصلخیز و سرسبز و هم از نظر معنوی چرا که  
کانون پرورش انبیاء بوده است.

#### توضیح :

اشارات آیه عبارتند از :

۱- سرزمین فلسطین جایگاه انبیای الهی از جمله حضرت ابراهیم، لوط ، موسی ، عیسی  
، یعقوب و ... بوده است و جایگاهی است که پیامبران برای رهایی از حکومت های  
ستمگر و الحادی بدان پناه می آورده اند.

۲- سرزمین فلسطین ، سرزمینی است که خداوند آن را مورد عنایت و برکت خود قرار  
داده است (الارض التی بارکنا)

۳- برکت های این سرزمین شامل همه جهانیان شده و می شود. (بارکنا فیها للعالمین)

در حال حاضر حضور اشغالگران صهیونیستی ، جهانیان را از برکت های این سرزمین محروم ساخته و آن را به مرکزی برای جنگ و ستم و اشغالگری و خونریزی و تجاوز به ملت ها و کشورهای منطقه و وسیله ای در جهت خدمت به استکبار تبدیل کرده است.

**فلسطین ، سرزمین زیتون**

سوره التین ، آیه ۱ :

والتِّينِ وَالزَّيْتُونِ

«قسم به انجیر و زیتون(یا قسم به سرزمین شام و بیت المقدس)»

ترجمة الميزان ج : ۲۰ ص : ۵۳۹ و التين و الزيتون و طور سينين و هذا البلد الامين بعضي از مفسرين گفته اند : مراد از كلمه تين ( انجیر ) و زيتون دو ميوه معروف است ، که خدای تعالی به آنها سوگند یاد کرده ، به خاطر اینکه در آنها فواید بسیار زیادی و خواص و منافع سرراغ داشته .

ولي بعضي ديگر گفته اند : منظور از تين ، کوهستاني است که دمشق بر بلندي آن واقع شده ، و منظور از زيتون کوهستاني است که بيت المقدس بر بالاييکي از کوههايش بنا شده ، و اطلاق نام دو ميوه انجیر و زيتون بر اين دو کوه شايد براي اين بوده که اين دو ميوه در اين دو منطقه ميرويد ، و سوگند خوردن به اين دو منطقه هم شايد به خاطر اين بوده که عده بسياري از انبيا در اين دو نقطه مبعوث شده اند .

و بعضي ديگر احتمالهاي ديگر داده اند .

### توضیح :

اشارات این آیه عبارتند از :

۱- از آنجا که انجیر و زیتون میوه هایی هستند که در سرزمین شام و فلسطین به کثرت می روید ، لذا سوگند به این دو میوه به عنوان دو سمبل و نماد این سرزمین تلقی می شود و حاکی از اهمیت و تقدس آن و جایگاهی است که سوگند خوردن بدان مصداق و مفهوم یافته است.

۲- گفته می شود منظور از زیتون در این سوگند ، کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه های آن بنا شده که بنی اسرائیل از آن به عنوان کوه صهیون یاد می کنند. اتفاقا سوگند بدین کوه و نام زیتون آن شاید تأکیدی بر ماهیت اسلامی این کوه و نفی صهیونیسم و مفاهیمی است که از آن برخاسته است.

## بیت المقدس ، قبله نخست

سوره البقره ، آیه ۱۴۳ :

وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلٰى  
عَقْبَيْهِ

«و ما آن قبله ای را که قبلا بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم که افرادی از پیامبر  
پیروی می کنند از آنها که به جاهلیت باز می گردند مشخص شوند.»

**ترجمة الميزان ج : ۱ ص : ۴۸۷**

(و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها ، الا لنعلم من يتبع الرسول ممن  
ينقلب علي عقبه ) در این آیه شریفه دو سؤال است یکی اینکه چرا  
فرمود ( ما بدانیم و نفرمود من بدانم ) ؟ دوم اینکه مگر خدا

**ترجمة الميزان ج : ۱ ص : ۴۸۸**

نمیداند که میخواهد با تغییر قبله ، علم حاصل کند ؟ در جواب سؤال  
اول می گوئیم مراد باینکه می فرماید : لنعلم تا بدانیم ، با اینکه خدا  
یکی است یا علم رسل و انبیاء است مثلا از این باب که بزرگان وقتی  
سخن می گویند ، از قبل خود و اطرافیان خود سخن می گویند ، و تکیه  
کلامشان ( ما ) است ، مثل اینکه امیر لشکر می گوید : ما فلانی را  
کشتیم ، و فلانی را زندان کردیم ، با اینکه اینکارها را خود امیر نکرده ،  
بلکه کارکنانش کرده اند ، در جواب از سؤال دوم می گوئیم مراد ، علم  
عینی و فعلی خداست ، که با خلقت و ایجاد حاصل میشود ،  
نه آن علم که قبل از ایجاد داشته است .

و کلمه ( انقلاب بر دو عقب ) ، کنایه است از اعراض ، چون انسان - که در حال قیام روی پاشنه می‌ایستد - وقتی روی خود بطرفی برگرداند ، روی پاشنه خود می‌چرخد ، بدین جهت روگردانی و اعراض را به این عبارت تعبیر می‌کنند ، نظیر تعبیر به پشت خود رو کردن ، در آیه ( و من یولهم یومئذ دبره ) و ظاهر آیه این است که میخواهد توهمی را که احياناً ممکن است در سینه مؤمنین خلیجان کند ، دفع نماید ، و آن توهم این است که فلسفه برگرداندن قبله ، و نسخ قبله قبلی چیست ؟ و تکلیف نمازهاییکه تاکنون رو به بیت المقدس خوانده‌ایم چه میشود ؟ و از این هم بر می‌آید که مراد به قبله‌ای که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بر آن بود ، همان بیت المقدس است ، نه کعبه ، پس هیچ دلیلی نیست بر اینکه بگوئیم : بیت المقدس دو بار و کعبه هم دو بار قبله شده ، چون اگر مراد بقبله در آیه کعبه باشد ، لازمه‌اش همین میشود ( چون می‌فرماید : ما امروز آن قبله را که قبلاً رو بان می‌ایستادی ، قبله نکردیم مگر برای چه و چه ) .

و سخن کوتاه اینکه جای این معنا بود که در سینه مؤمنین این توهم ایجاد شود که اولاً وقتی بنای خدای تعالی بر این بود که بالاخره کعبه را قبله مسلمانان کند ، چرا از همان روز اول نکرد ؟ و گذاشت مدتی مسلمانان رو به بیت المقدس نماز بخوانند ؟ لذا خدای تعالی برای دفع این توهم خاطر نشان کرد ، که تشریح احکام جز بخاطر مصالحی که برگشتنش به تربیت و تکمیل مردم است صورت نمی‌گیرد ، منظور از تشریح احکام هم تربیت و تکمیل مردم است ، و هم جداسازی مؤمنین از غیر مؤمنین است ، و هم مشخص کردن فرمانبران از عاصیان متمرد ، و آن سببی که باعث شد که قبله یهودیان را مدتی قبله شما مسلمانها قرار دهیم ، عیناً همین‌ها بود که گفتیم .

پس مراد به جمله : ( الا لنعلم من يتبع الرسول ) این است که ما خواستیم مشخص کنیم ، چه کسی تو را پیروی می‌کند ؟ و چه کسی نمی‌کند ؟ و اگر نفرمود ( من يتبعك ، چه کسی تو را پیروی می‌کند ) ، بلکه فرمود ( چه کسی رسول را ) برای این بود که با ذکر کلمه ( رسول ) بفهماند : صفت

ترجمة الميزان ج : ۱ ص : ۴۸۹

رسالت در این جداسازی دخالت داشته ، و مراد به جعل قبله سابق ، جعل آن در حق مسلمانان است ، و گر نه اگر مراد مطلق جعل باشد ، آنوقت مراد برسول هم مطلق رسول میشود ، نه رسول اسلام ، و ديگر در آیه التفاتي بکار نرفته ، به سياق طبیعیش جریان یافته بود ، چیزیکه هست این احتمال مختصری بعید بنظر می‌رسد .

و ثانياً آن نمازهاییکه مسلمانان بسوی بیت المقدس خواندند تکلیفش چیست ؟ چون در حقیقت نماز بطرف غیر قبله بوده ، و باید باطل باشد ، از این توهم هم جواب میدهد : قبله مادام که نسخ نشده قبله است ، چون خدای تعالی هر وقت حکمی را نسخ می‌کند ، از همان تاریخ نسخ از اعتبار می‌افتد ، نه اینکه وقتی امروز نسخ کرد دلیل باشد بر اینکه در سابق هم بی اعتبار بوده ، و این خود از رأفت و رحمتی است که به مؤمنین دارد ، و عهده‌دار بیان این جواب جمله : ( و ما كان الله ليضيع إيمانكم ، ان الله بالناس لرؤف رحيم ) الخ است ، و فرق میانه



رأفت و رحمت بعد از آنکه هر دو در اصل معنا مشترکند ، این است که رأفت مختص به اشخاص مبتلا و بیچاره است ، و رحمت در اعم از آنان و از غیر آنان استعمال میشود .

### توضیح :

اشارات آیه عبارتند از :

۱- نخستین قبله ای را که خداوند برای پیامبر و مسلمانان برای گزاردن نماز قرار داد ، بیت المقدس بود. خداوند این قبله را برای مسلمانان برگزید تا اولاً میان کسانی که به سوی بتها نماز می گزارند با کسانی که پیروان راستین پیامبر بودند تفکیک قائل شود. سال ها پیامبر و مسلمانان به سوی بیت المقدس نماز گزاردند، هر چند که اکثراً پیامبر

اکرم (ص) تا هنگامی که در مکه بود نماز را در جهتی ادا می کرد که کعبه و بیت المقدس در امتداد قبله قرار می گرفتند تا اینکه در سال دوم هجرت به فرمان خدا ، کعبه به عنوان قبله اسلام مشخص گردید و مسلمانان و پیامبر اکرم (ص) نماز را به سوی آن گزاردند.

۲- انتخاب بیت المقدس به عنوان قبله نخست ، حکایت از تقدس این مکان برای همه ادیان توحیدی از جمله دین مبین اسلام دارد.

۳- بر اساس آنچه که قرآن مطرح می کند هدف و جهت اصلی در نماز و عبادت توجه به ذات باریتعالی است و اصل ، شمال و جنوب و شرق و غرب نیست.

۴- پیام جهانی اسلام و تمدن توحیدی قرآنی ایجاب می کرد تا قبله آن در جایی قرار گیرد که عرصه سیطره و نفوذ هیچ فرهنگ و تمدن غیر الهی نباشد و در این میان خانه کعبه به علت دور از دسترس بودن از سیطره امپراطوری ها و تمدن های آن روزگار آمادگی آن را داشت که با پاکسازی آن از بتها ، به هویت اصلی آن که قبله توحید و رنگ خدایی(صبغه الله) است، باز گردد.

طبیعی است که جهان اسلام نسبت به سرنوشت قبله نخستین خود یعنی بیت المقدس بی تفاوت نباشد و برای رهایی آن از چنگال اشغالگران و حامیان فرهنگ و تمدن مادی قیام کند و اجازه ندهد که قبله ادیان توحیدی زیر چکمه اشغالگران و پیام آوران مادی گرائی آلوده شود.

## اسرائیل و بنی اسرائیل

## از دیدگاه قرآن

### کافران پیامبرکش

سوره البقره ، آیه ۶۱ :

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ النَّبِيِّنَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ

«چرا که آنها نسبت به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند.»

ترجمة المیزان ج : ۱ ص : ۲۹۰

در تفسیر عیاشی در ذیل جمله ( ذلك بانهم يكفرون بايات الله ) ، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده ، که آنجناب قرائت کردند : ( ذلك بانهم كانوا يكفرون بايات الله ، و يقتلون النبيين بغير الحق ، ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون ) ، و سپس فرمودند : بخدا سوگند انبیاء را با دست خود نزدند ، و با شمشیرهای خود نکشتند ، و لکن سخنان ایشانرا شنیدند ، و در نزد ناهلان ، آنرا فاش کردند ، در

ترجمة المیزان ج : ۱ ص : ۲۹۱

نتیجه دشمن ایشانرا گرفت ، و کشت ، پس مردم کاری کردند که انبیاء هم کشته شدند ، و هم تجاوز شدند ، و هم گرفتار مصائب گشتند .

توضیح :

یکی از ویژگی های قوم بنی اسرائیل در طول تاریخ ، کفر به آیات خدا بوده است و امروزه نیز شاهد آن هستیم که صهیونیست ها به تعلیمات حضرت موسی (ع) و تعالیم مذهب یهود پشت کرده و بر اساس تحریف آموزه های دین یهود ، رژیم صهیونیستی را تأسیس کردند.

بنی اسرائیل همچنین همانگونه که در طول تاریخ، تعداد بسیاری از انبیای الهی را بدون هیچ حقی کشته و خون آنها را بر زمین ریختند ، امروزه نیز رژیم صهیونیستی به سیاست کشتار و ترور کورکورانه مردم مظلوم و انسانهای حق طلب دست می یازد. گفتنی است

که گروهی از یهودیان متدین به نام «ناتوری کارتا»ها تفکر صهیونیستی را تفکری منحرف از دین یهود می دانند و برای زوال رژیم متجاوز اسرائیل تلاش و دعا می کنند.

## عصیانگران متجاوز

سوره البقره ، آیه ۶۱ :

ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْاْ وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ

«این به خاطر آن بود که گناهکار و سرکش و متجاوز بودند.»

### توضیح :

همانگونه که قوم بنی اسرائیل از دیرزمان به نقض قوانین و مقررات دینی ، حقوقی و انسانی دست یازیده و عصیانگری و گناهکاری را شیوه خود قرار داده و با چشم بستن بر همه ارزشهای انسانی و آموزه های دینی، راه تجاوزگری و تعدی را در پیش گرفتند و بر همین اساس نیز به آیات خدا کفرورزیده و پیامبران الهی را کشتار کردند ، در عصر حاضر نیز رژیم غاصب صهیونیستی بر همان سیاق به حقوق دیگران تجاوز کرده و به کشتار و خونریزی بی گناهان و قتل عام زن و مرد و کودک فلسطینی اقدام کرده و می کند.

نقض حقوق افراد و ملت‌ها و زیرپا گذاشتن مقررات حقوق انسانی و بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه و پشت پا زدن به همه ارزش‌های بشری و ترویج ضد ارزش‌ها، حاکی از تداوم عصبانگری و تجاوزطلبی بنی اسرائیل در قالب رژیم صهیونیستی است.

## سنگدلان بی رحم

سوره البقره ، آیه ۷۴ :

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً

«سپس دلهای شما بعد از آن سخت شد، همچون سنگ، یا از آن سختتر!»

ترجمه المیزان ج : ۱ ص : ۲۰۶

ثم قست قلوبكم من بعد ذلك ، فهي كالحجارة ، أو أشد قسوة ( الخ ، کلمه قسوة وقتی در خصوص قلب استعمال میشود ، معنی صلابت و سختی را میدهد ، و بمنزله صلابت سنگ است ، و

ترجمه المیزان ج : ۱ ص : ۲۰۷

کلمه ( أو ) بمعنای ( بل ) است ، و مراد باینکه بمعنای ( بلکه ) است ، این استکه معنایش با مورد ( بلکه ) منطبق است .

آیه شریفه شدت قساوت قلوب آنان را ، اینطور بیان کرده : که ( بعضی از سنگها احیانا می‌شکافند ، و نهرها از آنها جاری میشود ) ، و میانه سنگ سخت ، و آب نرم مقابله انداخته ، چون معمولا هر چیز سختی را بسنگ تشبیه می‌کنند ، همچنانکه هر چیز نرم و لطیفی را باب مثل می‌زنند ، می‌فرماید : سنگ بان صلابتش می‌شکافد ، و انهراری از آب نرم از آن بیرون می‌آید ، ولی از دل‌های اینان حالتی سازگار با حق بیرون نمیشود ، حالتی که با سخن حق ، و کمال واقعی ، سازگار باشد .

#### توضیح :

دل‌های بنی اسرائیل به واسطه کفر و عصیان و تسلیم ناپذیری در مقابل فرامین حق ، سخت و نفوذناپذیر گشته به نحوی که عواطف انسانی و خشیت الهی به دل‌های آنان راه ندارد و به همین علت سالهاست که شاهد جنایات بی رحمانه وارشان آنها یعنی رژیم صهیونیستی و کشتار زن و مرد و کودک و ویرانی خانه های مسکونی و نابودی درختان و مزارع و به تعبیر قرآن «یهلک الحرث و النسل» توسط این رژیم در لبنان و فلسطین

هستیم.

سنگدلی آل صهیون تا جایی است که به همکیشان خود رحم نکرده و برای مطامع سیاسی خود بارها یهودیان را نیز قربانی کرده اند و به تحریک دولت ها و گروه های

اجتماعی بر ضد یهودیان و ترویج احساسات یهودستیزی در جوامعی که یهودیان در آن می زیستند ، پرداخته اند تا با ایجاد وحشت در یهودیان، آنان را وادار به کوچ کردن به فلسطین اشغالی یا اماکن دیگر در چارچوب طرح های سیاسی خود نمایند که اینها نمونه های زنده ای از بی رحمی و شقاوت صهیونیست ها بشمار می آید. محاصره غزه و اعمال قتل تدریجی دستجمعی از طریق جلوگیری از ورود غذا و دارو و مایحتاج عمومی جز تجلی سنگدلی و شقاوت بنی اسرائیل چه عنوان دیگری می تواند داشته باشد؟



## پیشگامان تحریف

سوره البقره ، آیه ۷۵ :

وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ  
يَعْلَمُونَ

«با اینکه عده ای از آنها سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن آنرا تحریف می کردند در حالی که علم و اطلاع داشتند.»

ترجمة المیزان ج : ۱ ص : ۳۲۱ سیاق این آیات ، مخصوصا ذیل آنها ، این معنا را دست میدهد : که یهودیان عصر بعثت ، در نظر کفار ، و مخصوصا کفار مدینه ، که همسایگان یهود بودند ، از پشتیبانان پیامبر اسلام شمرده میشدند ، چون یهودیان ، علم دین و کتاب داشتند ، و لذا امید به ایمان آوردن آنان بیشتر از اقوام دیگر بود ، و همه ، توقع این را داشتند که فوج فوج بدین اسلام در آیند ، و دین اسلام را تایید و تقویت نموده ، نور آنرا منتشر ، و دعوتش را گسترده سازند .

و لکن بعد از آنکه رسولخدا (صلي الله عليه وآله وسلم) بمدينه مهاجرت کرد ، يهود از خود رفتاري را نشان داد ، که آن امید را مبدل به یاس کرد ، و بهمین جهت خدای سبحان در این آیات می فرماید : ( ا فتنمعون أن يؤمنوا لكم ؟ و قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ، ) الخ ، یعنی آیا انتظار دارید که يهود بدین شما ایمان بیاورد ، در حالیکه يك عده از آنان بعد از شنیدن آیات خدا ، و فهمیدنش ، آنرا تحریف کردند ، و خلاصه کتمان حقایق ، و تحریف کلام خدا رسم دیرینه این طائفه است ، پس اگر نکول آنانرا از گفته های خودشان می بینند ، و می بینید که امروز سخنان دبروز خود را حاشا می کنند ، خیلی تعجب نکنید .

ترجمة الميزان ج : ١ ص : ٢٢٢

(أ فتنمعون ان يؤمنوا لكم ) در این آیه التفاتی از خطاب به بنی اسرائیل ، خطاب به رسولخدا (صلي الله عليه وآله وسلم) و مسلمانان بکار رفته ، و با اینکه قبلا همه جا خطاب به يهود بود ، در این آیه يهود غایب فرض شده ، و گویا وجهش این باشد که بعد از آنکه داستان بقره را ذکر کرد ، و در خود آن داستان ناگهان روی سخن از يهود برگردانید ، و يهود را غایب فرض کرد ، برای اینکه داستان را از تورات خود دزدیده بودند ، لذا در این آیه خواست تا همان سیاق غیبت را ادامه داده ، بیان را با سیاق غیبت تمام کند ، و در سیاق غیبت به تحریف توراتشان اشاره نماید ، لذا دیگر روی سخن بایشان نکرد ، و بلکه ایشان را غایب گرفت .

**تفسیر نمونه ج : ۱ ص : ۲۱۲**

بعضی از مفسران در شان نزول دو آیه اخیر از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل کرده اند : گروهی از یهود که دشمنی با حق نداشتند هنگامی که مسلمانان را ملاقات

**تفسیر نمونه ج : ۱ ص : ۲۱۲**

می کردند از آنچه در تورات پیرامون صفات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده بود به آنها خبر می دادند ، بزرگان یهود از این امر آگاه شدند و آنها را از این کار نهی کردند ، و گفتند شما صفات محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را که در تورات آمده برای آنها بازگو نکنید تا در پیشگاه خدا دلیلی بر ضد شما نداشته باشند ، آیات فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت .

**تفسیر : انتظار بیجا!**

در این آیات چنانکه ملاحظه می کنید قرآن ، ماجرای بنی اسرائیل را رها کرده ، روی سخن را به مسلمانان نموده و نتیجه گیری آموزنده ای می کند ، می گوید : شما چگونه انتظار دارید که این قوم به دستورات آئین شما ایمان بیاورند ، با اینکه گروهی از آنان سخنان خدا را

می‌شنیدند و پس از فهم و درک آن را تحریف می‌کردند ، در حالی که علم و اطلاع داشتند ؟ ! ( ا فتطمعون ان يؤمنوا لكم و قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه و هم يعلمون ) .

بنابر این اگر می‌بینید آنها تسلیم بیانات زنده قرآن و اعجاز پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نمی‌شوند نگران نباشید ، اینها فرزندان همان کسانی هستند که به عنوان برگزیدگان قوم همراه موسی به کوه طور رفتند و سخنان خدا را شنیدند و دستوره‌ای او را درک کردند ، و به هنگام بازگشت ، آن را تحریف نمودند.

از جمله و قد كان فريق منهم...چنین استفاده می‌شود که همه آنها تحریف‌گر نبودند بلکه این تنها کار گروهی بوده که شاید اکثریت را تشکیل می‌دادند.

**تفسیر نمونه ج : ۱ ص : ۳۱۴**

در اسباب النزول آمده است که گروهی از یهود هنگامی که از طور بازگشتند به مردم گفتند : ما شنیدیم که خداوند به موسی دستور داد فرمانهای مرا در آنجا که می‌توانید انجام دهید ، و آنجا که نمی‌توانید ترك کنید ! و این نخستین تحریف بود.

به هر حال در ابتدای ظهور پیامبر اسلام انتظار می‌رفت که قوم یهود پیش از دیگران با ندای اسلام لبیک گویند چرا که آنها اهل کتاب بودند ( بخلاف مشرکان ) بعلاوه صفات پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را نیز در کتابهای خود خوانده بودند ولی قرآن می‌گوید : با سابقه بدی که آنها دارند انتظار شما مورد ندارد ، چرا که گاهی صفات و روحیات انحرافی يك جمعیت ، سبب می‌شود که با تمام نزدیکی به حق از آن دور گردند .

### توضیح :

بنی اسرائیل در طول تاریخ به تحریف گران ماهر کتب الهی و ادیان سماوی تبدیل شده و آگاهانه دست به تحریف زده و در همین مسیر به دین سازی و فرقه آفرینی دست یازیده اند.

آخرین تلاش اسرائیل در این زمینه، چاپ قرآن با حذف آیات راجع به سرزنش و مذمت بنی اسرائیل و یا حذف آیات جهاد برضد کفار و نیز انتشار تفاسیر به رای در جهت ترویج سازش با رژیم صهیونیستی و اعطای مشروعیت به این رژیم نامشروع است.

## پیمان شکنان تاریخ

سوره البقره ، آیه ۱۰۰ :

أَوْكَلَمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

«و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند گروهی از ایشان آن را دور افکندند بلکه [حقیقت این است که] بیشترشان ایمان نمی آورند.»

کلمه «نَبَذَهُ» (از ماده (نون - باء ذال) است ، که بمعنای دور انداختن است ولما جائهم رسول ... مراد از این رسول ، پیامبر عزیز اسلام است ، نه هر پیامبری که تورات یهود را تصدیق داشته ،

ترجمه تفسیر المیزان جلد ۱ صفحه ۳۴۹ :

چون جمله: « ولما جائهم » استمرار را نمی رساند، بلکه دلالت بر یکبار دارد، و این آیه بمخالفت یهود با حق و حقیقت اشاره می کند، که از در دشمنی با حق ، بشارتهای تورات بآمدن پیامبر اسلام را کتمان کردند، و به پیامبری که تورات آنان را تصدیق میکرد ایمان نیاوردند.

ترجمه تفسیر المیزان جلد ۱: صفحه ۳۵۰

توضیح :

پیمان شکنی سردمداران رژیم اشغالگر فلسطین دیگر بر کسی پنهان نیست چرا که هر عهده‌ی را که بستند به سرعت نقض کرده و بر پیمان‌ها و تعهدات خود هرگز پایبند باقی نماندند. دهها پیمانی که در چند دهه اخیر از کمپ دیوید تا اسلو و اریحا - غزه ، شرم‌الشیخ و ... گرفته تا توافق آرامسازی میان جبهه مقاومت و رژیم صهیونیستی ، تاکنون به هیچکدام از آنها عمل نشده و رژیم صهیونیستی به هیچ یک از آنها پایبند نبوده است و این رفتار نهادینه شده نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی مصداق امروز این آیه است.

### پویندگان راه شیطان

سوره البقره ، آیه ۱۰۲ :

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَٰ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُٰ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا

«(یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی می‌کردند ، سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و کافر نشد، و لکن شیاطین کفر ورزید.»

تفسیر نمونه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۰ :

تفسیر:

### سلیمان و ساحران بابل

از احادیث چنین بر می آید که در زمان سلیمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گروهی در کشور او به عمل سحر و جادوگری پرداختند سلیمان دستور داد تمام نوشته ها و اوراق آنها را جمع آوری کرده در محل مخصوصی نگهداری کنند (این نگهداری شاید به خاطر آن بوده که مطالب مفیدی برای دفع سحر ساحران در میان آنها وجود داشته)

پس از وفات سلیمان گروهی آنها را بیرون آورده و شروع به اشاعه و تعلیم سحر کردند، بعضی از این موقعیت استفاده کرده و گفتند سلیمان اصلاً پیامبر نبود بلکه به کمک همین سحر و جادوگریها بر کشورش مسلط شد و امور خارق العاده انجام می داد!

گروهی از بنی اسرائیل هم از آنها تبعیت کردند و سخت به جادوگری دل بستند، تا آنجا که دست از تورات نیز برداشتند.

تفسیر نمونه ، جلد ۱ ، صفحه ۳۷۱ :



هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ظهور کرد و ضمن آیات قرآن اعلام نمود سلیمان از پیامبران خدا بوده است، بعضی از احبار و علمای یهود گفتند: از محمد تعجب نمی کنید که می گوید سلیمان پیامبر است در صورتی که او ساحر بوده؟. این گفتار یهود علاوه بر اینکه تهمت و افتزای بزرگی نسبت به این پیامبر الهی محسوب می شد لازمهاش تکفیر سلیمان (علیه السلام) بود، زیرا طبق گفته آنان سلیمان مرد ساحری بوده که خود را به دروغ پیامبر خوانده و این عمل موجب کفر است.

آیات فوق به آنها پاسخ می گوید.

به هر حال نخستین آیه مورد بحث فصل دیگری از زشتکاریهای یهود را معرفی می کند که پیامبر بزرگ خدا سلیمان را به سحر و جادوگری متهم ساختند، می گوید: «آنها از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند» «و اتبعوا ما تتلوا

الشیاطین علی ملک سلیمان.)

ضمیر در جمله» و اتبعوا «ممکن است اشاره به یهودیان معاصر

پیامبر باشد و یا معاصران سلیمان و یا همه آنان.

منظور از)شیاطین «نیز ممکن است ، انسانهای طغیانگر و یا جن

و یا اعم از هر دو باشد.

سپس قرآن به دنبال این سخن اضافه می کند سلیمان هرگز کافر نشد

(و ما کفر سلیمان.)

او هرگز به سحر توسل نجست ، و از جادوگری برای پیشبرد اهداف

خود استفاده نکرد،)ولی شیاطین کافر شدند، و به مردم تعلیم سحر

دادند(و لكن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر.)

### توضیح :

بنی اسرائیل در طول تاریخ همواره از آنچه که شیاطین و قدرتهای شیطانی برضد

حکومت های حق ترویج می کردند ، پیروی کرده و به ترویج دروغ و شایعات در مورد

حکومت های حق و قدرت های الهی دست یازیده است. امروزه دروغهایی که دستگاههای

رژیم صهیونیستی برضد مسلمانان و فلسطینیان و ایران اسلامی از طریق رسانه ها و دستگاه‌های تبلیغاتی منتشر می کنند و سعی می کنند تا جهانیان را برضد مسلمانان بسیج کنند و به اختلافات میان پیروان ادیان الهی دامن زنند ، نمونه هایی از خصلت

پیروی آنان از آموزه های شیطانی است که در آیه فوق بدان اشاره شده است. آنان حتی در این زمینه در مورد حکومت الهی حضرت سلیمان نبی (ع) که از پیامبران بنی اسرائیل بوده دریغ نورزیده و حتی او را متهم به کفر نیز نمودند. این گروه همواره مشوق شیطان و پیروان راستین آن بوده اند.

تلاش صهیونیسم جهانی برای کنترل نهادهای رسانه ای در سطح جهان و مدیریت مؤسسات فرهنگی و هنری اثرگذار و استفاده از همه ابزارها در خدمت اهداف استعماری و استکباری قدرت های شیطانی در همین راستا قابل تبیین است.

## انحصار گرایان خودمحور

سوره البقره ، آیه ۱۱۱ :

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى

«آنها گفتند هیچکس جز یهود یا نصاری هرگز داخل بهشت نخواهد شد»

تفسیر نمونه:

### انحصار طلبان بهشت

قرآن در آیات فوق اشاره به یکی دیگر از ادعاهای پوچ و نابجای گروهی از یهودیان و مسیحیان کرده و سپس پاسخ دندان شکن به آنها می گوید: «آنها گفتند: هیچکس جز یهود و نصاری داخل بهشت نخواهد شد» (و قالوا لن يدخل الجنة الا من كان هودا او نصارى)

---

تفسیر نمونه ، جلد ۱ ، صفحه ۴۰۲ :

در پاسخ ابتدا می فرماید: «این تنها آرزویی است که دارند» (و هرگز به این آرزو نخواهند رسید) (تلك امانیهم). بعد روی سخن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده می گوید: «به آنها بگو هر ادعائی دلیلی می خواهد چنانچه در این ادعا صادق هستید دلیل خود را بیاورید» «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین».

پس از اثبات این واقعیت که آنها هیچ دلیلی بر این مدعی ندارند و ادعای انحصاری بودن بهشت، تنها خواب و خیالی است که در سر میپرورانند، معیار اصلی و اساسی ورود در بهشت را به صورت يك قانون کلی بیان کرده، می گوید: آری کسی که در برابر خداوند تسلیم گردد و نیکوکار باشد پاداش او نزد پروردگارش ثابت است» (بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه). و بنا بر این چنین کسانی نه ترسی خواهند داشت و نه غمگین می



### توضیح :

از آنجا که یهود خود را «ملت برگزیده» خداوند می داند و جایگاه ابدی خود را در بهشت می بیند و از عذاب خداوند ترس و خوف ندارد و معتقد است که اگر هم جنایتی را مرتکب شود جز روزهای اندکی عذاب نخواهد شد (وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً) لذا دیگران را تحقیر کرده و خارج از حیطه انسانیت می داند و ارتکاب هر جنایتی را در مورد آنان مجاز می شمارد.

در واقع اساس «پروتکل های دانشوران یهود» برای سیطره بر جهان از طریق ترویج فساد، مادیگری، نابودی معنویت و دین مداری، همه برخاسته از این نگاه تحقیرآمیز و تبعیض آمیز است.

## ناراضیان ابدی

سوره البقره ، آیه ۱۲۰ :

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ

«و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی شوند مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی.»

بورزند زیانکارند ( ۱۲۱ ) .

ای بنی اسرائیل بیاد آورید آن نعمتی که بشما انعام کردم و اینکه شما را بر مردم معاصرتان برتری دادم ( ۱۲۲ ) .

و بترسید از روزیکه هیچ نفسی جورکش نفس دیگر نمی‌شود و از هیچکس عوض پذیرفته نمی‌گردد و شفاعت سودی بحال کسی ندارد و باری هم نمی‌شوند ( ۱۲۳ ) .

## بیان

( و لن ترصي عنك اليهود و لا النصاري ) الخ ، در اینجا باز بعد از سخن از مشرکین ، دوباره بغراز قبلی که سخن از یهود و نصاری می‌کرد ، برگشته و در حقیقت خواسته است دامن گفتار را که پراکنده شد جمع و جور کند ، پس کانه بعد از آن خطایها و تویخ‌ها که از یهود و نصاری کرد ، روی سخن برسول خود کرده که این یهودیان و مسیحیان که تاکنون در باره آنها سخن می‌گفتیم و دامنه سخنان ما به مناسبت بکفار و مشرکین کشیده شد ، هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر وقتی که تو به دین آنان درآئی ، دینی که خودشان به پیروی از هوی و هوسشان تراشیده و با آراء خود درست کرده‌اند .



و لذا در رد این توقع بیجای آنان ، دستور میدهد بایشان بگو : ( ان هدی الله هو الهدی ) هدایت خدا هدایت است ، نه من درآورده‌ای شما ، می‌خواهد بفرماید : پیروی دیگران کردن ، بخاطر هدایت است و هدایتی بغیر هدایت خدا نیست ، و حقی بجز حق خدا نیست تا پیروی شود و غیر هدایت خدا - یعنی این کیش و آئین شما - هدایت نیست ، بلکه هواهای نفسانی خود شماست که لباس دین بر تنش کرده‌اید و نام دین بر آن نهاده‌اید .

پس در جمله : ( قل ان هدی الله ) الخ ، هدایت را کنایه از قرآن گرفته و آنگاه آن را بخدا نسبت داده و هدایت خدایش معرفی کرده ، و در نتیجه بطریق قصر قلب صحت انحصار - غیر از هدایت خدا هدایتی نیست - را افاده کرده است و با این انحصار فهمانده که پس ملت و دین آنان خالی از هدایت است ، از اینهم نتیجه گرفته که پس دین آنان هوی و هوسهای خودشان است ، نه دستورات آسمانی .

لازمه این نتیجه‌ها اینست که پس آنچه نزد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است ، علم است و آنچه نزد خود آنان است ، جهل و چون سخن بدینجا کشید ، میدان برای این تهدید باز شد که بفرماید : ( اگر بعد از این علمی که بتو نازل شده ، هواهای آنان را پیروی کنی ، آنگاه از ناحیه خدا نه سرپرستی خواهی داشت و نه یآوری .

حال بین که در این يك آیه چه اصولی ریشه‌دار از برهانی عقلی نهفته شده : و با همه

ترجمة المیزان ج : ۱ ص : ۴۰۱

اختصار و کوتاهی ، چه وجوهی از بلاغت بکار رفته و در عین حال جقدر بیان آن سلیس و روان است ؟ ! ( الذین آتیناهم الكتاب ) الخ ، ممکن است این جمله بقرینه حصری که از جمله ( تنها ایشان بدان ایمان می‌آورند ) فهمیده می‌شود ، جوابی باشد از سؤالی تقدیری ، سؤالی که از جمله : ( و لن ترضی عنک اليهود و لا النصارى ) الخ ، بذهن می‌رسد .

تفسیر نمونه ، جلد ۱ ، صفحه ۴۲۸ :

ایراد می‌کردند که نباید کاری کرد که باعث رنجش یهود و نصاری گردد(آیه فوق نازل شد و به پیامبر اعلام کرد که این گروه از یهود و نصاری نه با هماهنگی در قبله و نه با چیز دیگر از تو راضی نخواهند شد، جز اینکه آئین آنها را درست بپذیری. بعضی دیگر نقل کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) اصرار فراوان داشت که این دو گروه را راضی کند، شاید اسلام را پذیرا گردند، آیه فوق نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) اعلام کرد که این فکر را از سر بدر کن چرا که آنها به هیچ

قیمت راضی نخواهند شد جز به پیروی از آئین آنها. در شان نزول آیه دوم نیز روایات گوناگونی است: بعضی از مفسران معتقدند که این آیه درباره افرادی که با جعفر بن ابی طالب از حبشه آمدند و از کسانی بودند که در آنجا به او پیوستند نازل شد، آنها چهل نفر بودند، سی و دو نفر اهل حبشه، و هشت نفر از راهبان شام که بحیرا راهب معروف نیز جزء آنان بود. بعضی دیگر معتقدند که آیه درباره افرادی از یهود همانند عبد الله بن سلام و سعید بن عمرو و تمام بن یهودا و امثال آنها نازل شده که اسلام را پذیرفتند و براستی مؤمن شدند.

#### تفسیر:

#### جلب رضایت این گروه ممکن نیست

از آنجا که در آیه گذشته سلب مسئولیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر گمراهان لجوج می کند، آیات فوق در ادامه همین بحث به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید:

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۴۲۹:

اصرار بر جلب رضایت یهود و نصاری نداشته باش، چه اینکه «آنها هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه به طور کامل تسلیم خواسته های آنها و پیرو آئینشان شوی» (و لن ترضی عنک الیهود

و لا النصراری حتی تتبع ملتهم).  
تو وظیفه داری به آنها بگوئی که هدایت ، تنها هدایت الهی است  
(قل ان هدی الله هو الهدی).  
هدایتی که آمیخته با خرافات و افکار منحط افراد نادان نشده است ،  
آری از چنین هدایت خالصی باید پیروی کرد.  
سپس اضافه می کند: اگر تسلیم تعصبا و هوسها و افکار کوتاه  
آنها شوی بعد از آنکه در پرتو وحی الهی حقایق برای تو روشن شده  
، هیچ سرپرست و یآوری از ناحیه خدا برای تو نخواهد بود) و لئن  
اتبعت اهوائهم بعد الذی جائك من العلم مالك من الله من ولی و لا  
نصیر).

و اما از آنجا که جمعی از حق طلبان یهود و نصراری ، دعوت  
پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم ) را لبیک گفتند و این آئین  
را پذیرا شدند قرآن پس از مذمت گروه سابق از اینها به نیکی یاد می  
کند و می گوید: کسانی که کتاب آسمانی را به آنها دادیم و از روی  
دقت آن را تلاوت کرده و حق تلاوتش را (که تفکر و اندیشه و  
سپس عمل است ) ادا کردند به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله  
و سلم ) ایمان می آورند الذین آتینا هم الکتاب یتلونه حق تلاوته  
اولئك یؤمنون به).

و آنها که نسبت به آن کافر شدند به خودشان ظلم کردند، همان  
زیانکارانند (و من یکفر به فاولئك هم الخاسرون).

اینها کسانی بودند که برآستی حق تلاوت کتاب آسمانی خویش را  
بجا آوردند و همان سبب هدایتشان شد، چرا که بشارتهای ظهور  
پیامبر موعود را که در آن کتب خوانده بودند منطبق بر پیامبر  
اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دیدند و تسلیم شدند و خدا هم  
از

---

تفسیر نمونه ، جلد ۱ ، صفحه ۴۳۰:

آنها تقدیر کرده است.

### توضیح :

بسیار کسانی هستند که تصور می کنند اگر راه سازش و نرمش را در مقابل بنی اسرائیل  
در پیش گیرند ، خواهند توانست به حقوق قانونی خویش دست یافته و به گونه ای  
مسالمت آمیز با آنان زندگی کنند در حالی که قرآن جوهره اندیشه و رفتار قوم بنی  
اسرائیل را بیان کرده و اعلام می کند که هرگز آنان به امتیازات و عقب نشینی هایی که  
شما در مقابل آنها انجام خواهید داد رضایت نخواهند داد مگر زمانی که از مواضع حق  
طلبانه خود دست برداشته و به کیش آنان درآیید و از آنان پیروی کنید.

## مروجان فرهنگ انحطاط و

### تجاوز و بهره‌کشی

سوره المائده ، آیه ۶۲ :

وَتَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ

«و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرامخواری خود شتاب می‌کنند واقعا چه اعمال بدی انجام می‌دادند.»

#### توضیح :

اشاعه فحشا و گناه در جوامع بشری به ویژه در میان مسلمانان و ایجاد دشمنی میان ملت‌ها و پیروان ادیان الهی و نیز ترویج حرامخواری و بهره‌کشی انسانها از یکدیگر به عنوان یک فرهنگ، دست‌آورد رذیلانه صهیونیسم جهانی است که راهبرد آن در کتاب «پروتکل‌های دانشوران یهود» کاملا به روشنی بیان شده است. ایجاد رسانه‌های ترویج فحشا و فساد و اباحه‌گری و نیز تحریک جهان مسیحیت برضد مسلمانان از سوی بنی

اسرائیل در حال حاضر بطور روزانه دنبال می شود و هزینه های سنگینی را بر جامعه بشری تحمیل می کند.

## قوم نفرین شده

سوره المائده ، آیه ۷۸ :

لَعْنَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

«از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می کردند.»

### توضیح :

بنی اسرائیل به رغم در دست داشتن ثروت و قدرت ، هرگز از سرنوشت ذلت باری که به واسطه سرکشی و خصلت تجاوزگری نسبت به دیگران در پیش گرفته است رهایی نخواهد یافت. چرا که نفرین انبیای الهی همچون حضرت داوود (ع) و حضرت عیسی (ع) تا ابد دامگیر آنان شده است مگر آنکه خود را از این گونه خصلت ها پاک سازند تا به این سرنوشت ذلت بار پایان دهند. جالب آن است که همه کسانی که سرنوشت خود را با

این قوم گره زده و راه سازش با آن در پیش گرفته اند، دچار همین سرنوشت ذلت بار شده و به ننگ تاریخ تبدیل شده اند.

## سرسخت ترین دشمنان

سوره المائده ، آیه ۸۲ :

لَتَجِدَنَّ أُمَّةً تُدْعَىٰ لِلدِّينِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا

«مسلمانا یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.»

**توضیح :**

بزرگترین خطری که جهان اسلام و پیروان ادیان الهی را تهدید می کند خطر اسرائیل و صهیونیسم جهانی است. این جریان برنامه های خطرناکی را برای نابودی دین و پایبندی مردم به ارزشهای دینی تدارک دیده و دنبال می کند و از این رو بیشترین کینه و دشمنی از سوی این قوم متوجه مومنان است و لذا مومنان و جهان اسلام و پیروان ادیان الهی



همگی باید در مقابل این جریان سرطانی بایستند و جسم بشریت را از شر این غده سرطانی رها سازند.

**مقاومت ، تنها انتخاب الهی**

**برای ملت های مظلوم**

## محکومیت سازش و سکوت

### در مقابل اشغالگران

سوره مائده ، آیه ۵۱ :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را تکیه گاه خود قرار ندهید، آنها تکیه گاه یکدیگرند و کسانی که از شما بانها تکیه کنند از آنها هستند خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند.»

### توضیح :

قرآن همپیمانی و پیوند دوستی با یهود و نصاری را محکوم کرده و کسانی را که با آنان دوستی و پیوند برقرار کنند در زمره و از خود آنان برشمرده و ستمگرانی می خواند که راه

هدایت را به روی خود بسته اند. البته این امر در شرایط عادی است، اما اشغالگری قبله گاه نخست مسلمین یعنی قدس شریف و سرزمین اسلامی فلسطین و ستم بر مردم مظلوم از زن و کودک و پیر و جوان ، خود دلیل مضاعفی است بر اینکه باید از هرگونه سازش و سکوت در مقابل اشغالگران اسرائیلی پرهیز کرده و راه مبارزه را با آنان در پیش گرفت.

### ندامت از دوستی و همکاری با اشغالگران

#### سوره المائده ، آیه ۵۲ :

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ

«مشاهد می کنی افرادی را که در دل‌هایشان بیماری است در (دوستی با) آنان بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند می ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم) شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از ناحیه خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد و این دسته از آنچه در دل پنهان داشتند پشیمان گردند.»

#### توضیح :

کسانی که به بهانه ترس از مشکلات و سختی‌ها دست دوستی و همکاری به سوی یهود و نصاری دراز می‌کنند، قلب‌هایشان دچار بیماری است و قطعاً خداوند با پیروزی که برای اسلام و مسلمانان فراهم خواهد آورد و یا با رویدادی از سوی خود، آنها را سخت دچار ندامت و پشیمانی خواهد کرد.

از این رو هرگز فریب قدرت و سلطه ظاهری دشمنان را نباید خورد که اتفاقاً همواره قدرت‌های سرکش در اوج توان خود دچار فروپاشیدگی و زوال شده‌اند.

## قتال با اشغالگران

سوره نساء، آیه ۷۵:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ  
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا  
وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

«چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستمیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده. و از برای ما از طرف خود یار و یاور تعیین فرما.»

توضیح:

در حالی که مردم مظلوم فلسطین زیر چنگال اشغالگران تا دندان مسلح در معرض ظلم و ستم روزانه قرار دارند و همه هستی آنها به غارت رفته یا نابود می شود، خانه هایشان ویران و زمین هایشان غصب می شود و فریاد یا للمسلمین آنان بلند است، چگونه می توان راه سکوت و بی تفاوتی را در پیش گرفت؟ در صورتی که قرآن ، مسلمانان را به قتال با آنان فرا می خواند. (وَمَا لَكُمْ لَأ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ)

## انتخاب جبهه ایمان

سوره النساء ، آیه ۷۶ :

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ  
فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

«آنها که ایمان دارند در راه خدا پیکار می کنند و آنها که کافرند در راه طاغوت (و افراد طغیانگر) پس شما با یاران شیطان پیکار کنید (و از آنها نهراسید) زیرا نقشه شیطان (همانند قدرتش) ضعیف است.»

توضیح :

کسانی که ایمان آورده اند در جبهه ایمان علیه کفر به جنگ می پردازند ، در حالی که کسانی که کافر شدند در جبهه کفر می جنگند و خداوند به مسلمانان دستور می دهد که در این صحنه رویارویی و جنگ میان جبهه کفر و ایمان ، جانب جبهه ایمان را اتخاذ کنند و وارد جنگ با یاران شیطان که همان جبهه کافران است، گردند. رویارویی میان اسرائیل و جبهه مقاومت در لبنان و فلسطین ، همانا نبرد میان جبهه کفر و ایمان است ، مسلمانان موظفند تا میان این دو جبهه ، جبهه ای را انتخاب کنند که با اسلام و ایمان می درخشد و در مقابل جبهه کفر ، راه مبارزه ، مقاومت و ایستادگی را در پیش گیرند.

### نپذیرفتن سلطه کافران اشغالگر

سوره نساء آیه ۱۴۱ :

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

«هرگز برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است.»

توضیح :

خداوند اجازه نمی دهد مسلمانان زیر سلطه و نفوذ غیر مسلمانان به سر برند. از این رو تسلط رژیم صهیونیستی بر سرزمین های اسلامی و تلاش برای نفوذ و سیطره بر دیگر سرزمین های اسلامی و بر حکومت ها از طریق سازش ، باید با مقاومت و ایستادگی مسلمانان مواجه شود و هیچ مسلمانی اجازه ندهد تحت الشعاع سلطه یا نفوذ دشمنان اسلام از یهود و نصاری قرار گیرد و این اراده خداوند است که در قرآن کریم به مسلمانان اعلام شده است.

### دشمنی با دشمنان خدا و رسولش

سوره مجادله ، آیه ۲۲

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

«هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز قیامت دارد نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند، آنها کسانی

هستند که خدا ایمان را بر صفحه قلوبشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، آنها را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن می‌مانند خدا از آنها خشنود و آنها نیز از خدا خشنودند آنها حزب الله اند بدانید حزب الله پیروز است.»

### توضیح :

براساس تعلیمات قرآن کریم ، هیچ گروهی که ایمان به خدا و روز جزا داشته باشند نمی‌توانند راه دوستی و پیوند با کسانی را که با خدا و پیامبرش دشمنی کنند ، در پیش گیرند، حتی اگر این دشمنان ، از پدران و فرزندان و برادران و خاندان او باشند. اسرائیل و اشغالگران و غاصبان فلسطین ، راه دشمنی با خدا و پیامبر اکرم (ص) و اسلام را در پیش گرفته و قبیله نخست مسلمانان را با قلدری در اشغال گرفته اند ، چگونه می‌توان ادعای مسلمانی و اعتقاد به خدا و روز قیامت داشت اما در مقابل دشمنان خدا و اسلام راه سکوت و بی تفاوتی را در پیش گرفت؟! آنان که با دشمنان خدا و رسول راه دشمنی در پیش گیرند در شمار حزب الله می‌گیرند و قطعاً آنان از رستگارانند.



## وعدہ قرآنی زوال اسرائیل

## اسرائیل ، غده سرطانی فساد در جهان

سوره الاسراء ، آیه ۴ :

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا

«ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جوئی بزرگی خواهید نمود.»

توضیح :

این آیه که در پی آیه «اسرا و معراج» در سوره اسراء آمده و نشان دهنده اعجاز قرآن کریم است که بلافاصله در مورد سرنوشت مسجدالاقصی و بیت المقدس که به اشغال بنی اسرائیل در خواهد آمد پرداخته و درآینده به فساد کشیده شدن سرزمین فلسطین و برتری طلبی بنی اسرائیل در آن را پیش گوئی کرده است. قرآن کریم از عملکرد بنی اسرائیل با دو خصوصیت «به فساد کشیدن زمین» و «برتری طلبی بسیار گسترده» یاد کرده که ماهیت رژیم صهیونیستی را کاملاً آشکار می سازد و این همان «غده سرطانی» است که امام خمینی (ره) فرمان بر ضرورت محو آن را داده که اقدامی در جهت تحقق وعده الهی است.

## وعده الهی آزادی سرزمین انبیاء

### به دست مومنان پیکارجو

سوره الاسراء ، آیه ۵ :

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ  
وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

«هنگامی که نخستین وعده فرا رسد مردانی پیکارجو را بر شما (بنی اسرائیل) می فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند حتی برای بدست آوردن مجرمان) خانه‌ها را جستجو می کنند، و این وعده‌ای است قطعی.»

توضیح :

آزادی سرزمین فلسطین و قدس شریف به دست کسانی میسر است که بندگان راستین خداوند (عِبَاداً لَنَا) و صاحبان قدرت و پیکارجویان مسلح به سلاح های متکی بر ایمان هستند (أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ) در واقع اینان همانگونه که امام خمینی (ره) فرمودند فلسطین را با مسلسلهای متکی بر ایمان آزاد می کنند. آنان با قدرت و شجاعانه تا اعماق سرزمین های اشغالی و خانه های اشغالگران از جمله آبادیهای صهیونیست نشین نفوذ خواهند کرد به جستجو خواهند پرداخت تا به اشغال سرزمین مقدس و پربرکت فلسطین پایان دهند و پیروزمندانه وارد قدس شریف و مسجدالاقصی شوند.

## نابودی پایگاههای صهیونیسم

### به دست خودشان و مومنان

سوره الحشر ، آیه ۲

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولَى الْأَبْصَارِ

«او کسی است که کافران اهل کتاب را در اولین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند، گمان نمی‌کردید آنها خارج شوند و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود، اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد، و در قلب آنها ترس و وحشت افکند، به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند، پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت ها.»

### توضیح :

هیچ کس حتی اسرائیل تصور نمی‌کرد که با همه استحکامات و ترتیبات امنیتی خود ناگزیر شود در مقابل اراده مقاومت از سرزمین‌های اسلامی (در صدر اسلام و در زمان کنونی از غزه) عقب نشینی کند و در حالی که خداوند قلبهایشان را از رعب و وحشت (تحقق موازنه وحشت) پر کرده بود، خانه‌هایشان را به دست خودشان و نیز به دست مومنان ویران کرد.

و این سرنوشتی است که در مورد تمامی سرزمین مقدس فلسطین و بویژه بیت المقدس تحقق خواهد یافت.

## پراکندگی یهودیان ، تقدیر محتوم آنها

سوره الحشر ، آیه ۳ :

وَلَوْ أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

« و اگر نه این بود که خداوند جلای وطن را بر آنها مقرر داشته بود آنها را در همین دنیا

مجازات می کرد، و برای آنها در آخرت نیز عذاب آتش است.»

### توضیح :

خداوند پراکندگی را برای بنی اسرائیل و یهود به عنوان یک سرنوشت محتوم ، مقدر کرده است و هرگاه بر خلاف این تقدیر عمل کنند خداوند آنها را در دنیا در معرض مجازات قرار داده و در آخرت دچار آتش جهنم می نماید. لذا پراکندگی و زندگی به صورت گروههای پراکنده در جهان ، تقدیر الهی است که برای یهود پیش بینی شده است و هرگونه سیاست تجمع و ملت سازی در مورد آن در فلسطین و هر جای دیگر بر خلاف مشیت الهی است و با شکست مواجه خواهد شد و این امری است که در تورات نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

## دشمنی یهودیان با یکدیگر تا روز قیامت

سوره المائده ، آیه ۶۴ :

وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

«در میان آنها عداوت و دشمنی تا روز قیامت افکندیم، و هر زمان آتش جنگی افروختند آترا خداوند خاموش ساخت و برای فساد در زمین تلاش می‌کنند و خداوند مفسدان را دوست ندارد.»

### توضیح :

خداوند یهود را تا روز قیامت دستخوش پراکندگی ، دشمنی ، کینه توزی و جنگ خانگی کرده و از اینرو مجتمع صهیونیستی قابل دوام نیست و به زودی از هم خواهد پاشید و آتش هر فتنه ای که از سوی آنان شعله ور گردد از سوی خدا خاموش خواهد گردید و به فتنه اسرائیل پایان داده خواهد شد، هرچند که اسرائیل و صهیونیسم همانطوری که خداوند در قرآن کریم فرمودند به نشر فساد در همه ابعاد خواهند پرداخت (وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا) و خداوند مفسدان را دوست نمی دارد.

## سرنوشت ذلت بار اسرائیل

### و بنی اسرائیل

سوره البقره ، آیه ۶۱ :

وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ



«خداوند (مُهر) ذلت و بیچارگی را بر پیشانی آنها زد و مجدداً گرفتار غضب پروردگار شدند.»

### توضیح :

خداوند در طول تاریخ بنی اسرائیل را به علت عدم پابندی به تعلیمات پیامبران الهی و تجاوزگری و تحریف در کتب الهی و پایمال کردن حقوق دیگران ، محکوم به شکست و ذلت کرده و این سرنوشت شوم را به خاطر این ویژگیهای ناشایست در مورد این قوم رقم زده است. امروزه رژیم صهیونیستی و اسرائیل سمبل همه ویژگیهای ضد اخلاقی و ضد انسانی و وارث فرهنگ منحط بنی اسرائیل در طول تاریخ است و از همین رو سرنوشتی مشابه با بنی اسرائیل یعنی شکست و خواری در انتظار رژیم اسرائیل است.